

بررسی فقهی حقوقی

سوء استفاده از حق مالکیت ربات در امر اشتغال*

- حمزه نظرپور^۱
- علی اکبر ایزدی فرد^۲
- محمد محسنی دهکلانی^۳

چکیده

وجود فناوری‌های نوین از لوازم زندگی امروزی قلمداد شده و غالباً با هدف خدمت به زندگی انسان مورد طراحی قرار گرفته است. اما با اذعان به همه مزایایی که این فناوری‌ها دارند، جانب زیان و سوء استفاده از آن‌ها نسبت به جامعه را نیز نباید از نظر دور داشت. فناوری رباتیک یکی از همین گونه‌هاست که بر خلاف بسیاری از مزایا، می‌تواند نسبت به اغلب مردم منشأ ضرر و سبب از بین بردن فرصت‌های شغلی آنان باشد. ربات‌ها با ابراز وجود در عرصه‌های اقتصادی و صنعتی سبب تصاحب مشاغل گوناگون شده‌اند و این امر باعث شده تا افراد جامعه شغل خویش را از دست بدهند که این از سوء استفاده مالک ربات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۲۰.

۱. دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران (hamzahnazarpour@gmail.com).

۲. استاد دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) (ali85akbar@yahoo.com).

۳. دانشیار دانشگاه مازندران (mmdehkalany@yahoo.com).

آگاهانه یا ناآگاهانه ناشی می‌شود.

این نوشتار به شیوه توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته و با توجه به اصول و مواد قانونی و مبانی فقهی، این نتیجه به دست آمده است که مالک ربات در محدوده قوانین و تا وقتی که مالکیت وی منجر به اضرار و زیان به فرد یا جامعه نشود، می‌تواند از منافع آن بهره‌مند گشته و محدود کردن مالک ربات از حق خود، به دلیل تقدم حق جامعه بر فرد است.

واژگان کلیدی: رباتیک، ربات، سوءاستفاده از حق، حق مالکیت، اشتغال، قاعده تسلیط، قاعده لاضرر.

۱. طرح مسئله

استفاده از فناوری، جزء اجتناب‌ناپذیر زندگی امروز انسان‌ها شده و پایه زندگی ماشینی و مدرن در این قرن می‌باشد. یکی از فناوری‌ها، رباتیک است که توانسته در زندگی انسان کارایی بیشتری به دست آورد و آرام آرام به عنوان عضوی از جامعه، مورد پذیرش انسان قرار گیرد.

ربات‌ها به دلیل کاربرد فراوان و حضور در عرصه‌های گوناگون نظامی، صنعتی، خدماتی، مشارکتی و... قابلیت تعامل با انسان را دارند و همین تعامل و حضور در جامعه انسانی، عرصه برقراری سود و زیان میان آن‌هاست؛ بدین معنا که حضور ربات می‌تواند مایه سود بیشتر برای فرد یا گروهی و نیز ایراد زیان به فرد یا گروه دیگر باشد و این فرایند به دلیل وضعیت صنعتی بودن فناوری رباتیک در جوامع پیشرفته صنعتی یا رو به پیشرفت از حساسیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا امکان تضییع حقوق افراد و جامعه به طور جدی وجود دارد. یکی از مصادیق تضییع حقوق افراد، از دست دادن شغل بر مبنای جایگزینی ربات است.

بر این مبنا پرسشی که در این نوشتار در جستجوی پاسخ آن هستیم، عبارت است از اینکه آیا در صورت داشتن حق مشروع مالکیت، کیفیت استفاده از حق می‌تواند فرد را در دایره مسئولیت‌های مدنی یا کیفری قرار دهد؟

به دیگر سخن آیا مالک ربات در کیفیت استفاده از آن محدودیتی دارد و می‌توان در مواردی مالک را به جهت نوع استفاده از حق مالکیت مسئول قلمداد نمود؟ آیا

مالک ربات می‌تواند با استناد به مطلق بودن حق مالکیت، هر نوع استفاده و بهره‌وری از آن داشته باشد؟ یا با جایگزینی آن در مشاغل گوناگون، ادارات و کارخانه‌ها، سبب بیکار شدن کارمندان و کارگران شاغل شود؟

در این نوشتار، سعی بر آن است تا ضمن بررسی زوایای گوناگون مسئله به این دیدگاه دست یافته شود که مالک ربات تا جایی می‌تواند از همه منافع و حقوق مالکانه خود بهره‌مند شود که به واسطه بیکار کردن افراد، سبب زیان به آنان و جامعه نشود.

۲. مفاهیم

۲-۱. مالکیت

ملک در لغت به معنای جمع‌آوری مال توسط انسان (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۹۸۱/۲)، شمول و به دست آوردن چیزی و تسلط بر آن و قدرت بر نگهداری آن (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴۶۳/۳؛ مهنا، ۱۴۱۳: ۵۷۳/۲) است و در اصطلاح به معنای نسبت اضافه میان انسان و اموال است که اقتضای سلطنت انسان بر اموال را دارد (نجفی کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹: ۱۲۸/۱)، قدرت بر تصرف از همه جهات در عین (شریف مرتضی، ۱۴۰۵: ۲۸۵/۲)، اتصال شرعی میان انسان و چیزی که مطلقاً حق تصرف در آن داشته و می‌تواند دیگران را از تصرف آن منع کند (سعدی، ۱۴۰۸: ۳۴۰)، می‌باشد.

ملک و مالکیت در اصطلاح فقها امری اعتباری است که قابل انشاء با لفظ و غیر آن باشد. لحاظ اعتبار در سخنان فقها دارای چند صورت است:

۱- اعتبار تسلط و استیلا به طوری که جایگزین قدرت تکوینی و تصرف در چیزی باشد... جواز تصرف خارجی از شئون این امر اعتباری است.

۲- اعتبار نسبت و ارتباط میان مالک و مملوک و قرار دادن ملک از مقوله اضافه متکرر مثل ابوت و زوجیت است (مشکینی، بی‌تا: ۵۱۴).

برخی فقها مالکیت را چنین تعریف می‌کنند که حقیقت مالکیت چیزی جز اعتباری عقلایی نیست. بنابراین عقلاً آنچه را که در دست فردی است، علقه‌ای میان او و منشأ سلطنت او اعتبار می‌کنند یا خود سلطنت را معتبر می‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ۵۳/۱).

یکی دیگر از فقها می‌نویسد: معنای مالکیت و مالیت و واژه‌های مترادف این دو، معنای اضافی است که جز با وجود مالک و متمول محقق نمی‌شود و این معنای اضافی، طبق حکم عرف و تبادل است. بنابراین معنای ملکیت و مالیت، معنای عرفی یا لغوی است که شناخت آن متوقف بر بیان یا دلیل شرعی نیست، بلکه در این مورد باید به عرف و لغت رجوع کرد (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۱۳).

برخی نیز بر این عقیده‌اند که مالکیت دارای چهار مرحله است: الف) ملکیت حقیقی که همان سلطنت تام و کامل است؛ به گونه‌ای که اختیار مملوک از حیث حدوث و بقا تحت سلطنت مالک است. ب) مالکیت انسان نسبت به خود و اعضاء و کارهایش. ج) مالکیت مقولی خارجی که عبارت است از هیئت حاصله از احاطه جسم بر جسم دیگر. د) مالکیت اعتباری که عقلاً آن را برای سلطنت یک شخص بر یک شیء معتبر دانسته‌اند. روشن است که این نوع مالکیت از مقوله اعراض نیست تا اینکه محتاج وجود موضوع خارجی باشد (توحیدی، بی‌تا: ۲۰/۲).

یکی از حقوق دانان هم در ارائه تعریف مالکیت می‌نویسد: مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین، تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۱۰).

معنای حق مالکیت، اختیار قانونی شخص معین بر اشیاء یا اموال یا شخص دیگر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲ الف: ۲۲۶).

حقوق دان دیگری نیز در راستای بیان ارکان مالکیت نوشته است: عناصر مالکیت از قرار ذیل است: اول: اختصاص چیزی از چیزها - منقول یا غیر منقول - به شخصی از اشخاص. دوم: غالباً آن چیز مال است، خواه از اعیان خارجی باشد یا از منافع؛ مثل در اجاره اعیان یا از مطالبات مثل متعهد به در غیر اعیان و منافع. سوم: حق انتقال آن به غیر از طریق اعمال قصد و رضا (به عقد یا ایقاع). چهارم: قابلیت انتقال به وراثت (ر.ک: همو، ۱۳۹۲ ب: ۴۹۷).

۲-۲. سوء استفاده از حق

سوء استفاده از حق به معنای به کار بردن حق - خواه به طور مادی یا در ضمن یک

عمل حقوقی- به ضرر غیر که ظاهراً به عنوان استفاده از حق مشروع به کار می‌رود؛ ولی صاحب آن حق به قصد اضرار به غیر، حق خود را به کار می‌برد (همو، ۱۳۹۲الف: ۳۶۷).

۳-۲. ربات

ربات در لغت به معنای آدمک، مترسک، آدم مصنوعی، آدم‌واره و آدم مکانیکی است (سائسی، ۱۳۸۴: ۱۱۴۷/۲). در اصطلاح دستگاه کنترل‌شده توسط کامپیوتر و مجهز به وسائل هوشمند جهت تشخیص ورودی، سیگنال‌ها یا شرایط محیطی. این دستگاه همچنین مجهز به یک شیوه محاسباتی برای تصمیم‌گیری و یک شیوه راهنمایی برای فراهم کردن امکان کنترل می‌باشد (حسنوی، ۱۳۷۳: ۷۶۷).

در تعریف دیگر آمده است: ربات ماشینی (است) که می‌تواند ورودی خود را حس نماید و با قدری هوشمندی و بدون دخالت انسان، تغییراتی را در محیط خود به وجود آورد (قلی‌زاده نوری، بی‌تا: ۶۴۳).

۴-۲. رباتیک

رباتیک قسمتی از هوش مصنوعی در ارتباط با ربات‌ها و علم مطالعه، طراحی، ساخت و استفاده از ربات است (همان؛ حسنوی، ۱۳۷۳: ۷۶۷).

۵-۲. اشتغال

اشتغال در لغت به معنای شغل، پیشه و پرداختن به کاری است (انوری، ۱۳۸۲: ۱۵۲/۱). در اصطلاح نیز به کارگیری فردی برای انجام کار معین با شرایط معلوم است. به دیگر سخن، وضعیتی از به کار گماردن (برای شروع یا خاتمه کار)، داشتن شغل و حرفه‌ای که فرد برای امرار معاش به دست می‌آورد و به مجموعه‌ای از افراد که به منظور کسب سود، کار یا خدمت می‌کنند، اطلاق می‌شود (بدالهی فارسی، ۱۳۸۸: ۷۷/۱).

در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت مالکیت رباتیک حقی دائمی است که مالک آن می‌تواند در محدوده قوانین و تا وقتی که منجر به اضرار و زیان به دیگران- فرد یا جامعه- نشود، از همه منافع آن بهره‌مند شود.

۳. مشروعیت استفاده از حق مالکیت

گفته شد که حق مالکیت یعنی اختیار قانونی فرد نسبت به اموال و اشیای خود. حق مالکیت چون کامل‌ترین حق عینی است و تمامی منافع اقتصادی مال را در بر دارد، با موضوع خود که ملک باشد، در عرف یکی شناخته می‌شود (امامی، بی‌تا: ۲۰/۱).

۳-۱. اوصاف مالکیت

قانون مدنی حق مالکیت را تعریف نکرده است، ولی از اوصاف و آثاری که برای آن استنباط می‌شود، به اجمال می‌توان تعریف حق مالکیت را به دست آورد. مرسوم است که مالکیت دارای سه وصف اساسی اطلاق، انحصار و دوام است.

وصف اطلاق: به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی، «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». پس مالک حق همه‌گونه تصرف در ملک خود را دارد و استثناهای این قاعده باید در قوانین مطرح باشد. در حقوق کنونی، این استثناهای چندان فراوان است که به دشواری می‌توان از اطلاق حق مالکیت سخن گفت. واقع‌بینی ایجاب می‌کند که (باید) به جای اطلاق حق، از قید قانون در ماهیت آن یاد کرد و گفت: «حقی که به مالک، اختیار انتفاع و تصرف را در حدود قوانین می‌دهد». با وجود این هنوز هم از اصل «تسلیط» برای بیان اختیار مالک با احترام یاد می‌شود، ولی این اصل مفهوم پیشین را ندارد. بر اساس اصل ۴۷ قانون اساسی:

«مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. ضوابط آن را قانون معین می‌کند».

در اصل ۴۴ آمده است:

«... مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است...».

قیدهای اصل ۴۴ به خوبی نشان می‌دهد که حق مالکیت، دیگر از حقوق طبیعی و مربوط به شخصیت انسان نیست؛ وسیله‌ای است برای حفظ منافع عمومی و تنها در

صورتی مورد حمایت قرار می‌گیرد که شیوه اکتساب و اجرای آن در مسیر هدف‌های قانون‌گذار باشد. در این مفهوم تازه، آخرین مرز آزادی مالک این است که مایه زیان جامعه نشود. این قید در اصل ۴۰ همان قانون در چگونگی اجرای حق مالکیت نیز دیده می‌شود:

«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

این اصل، سوء استفاده از حق مالکیت را منع می‌کند و انتفاع و تصرف مالک را محدود به رفتاری متعارف می‌سازد. به بیان دیگر، حق مالکیت در مرحلهٔ ایجاد، فردی، و در مرحلهٔ اجرا، اجتماعی است.

وصف انحصار: نتیجهٔ طبیعی اطلاق، اختیار مالک و لزوم رعایت احترام آن از طرف تمام مردم، انحصاری بودن حق مالکیت است. مالک می‌تواند هر تصرفی را که مایل باشد در مال خود بکند و مانع از تصرف و انتفاع دیگران شود. مالکیت در مرحلهٔ ایجاد، حق فردی است و قانون از این حق در برابر تجاوز فرد حمایت می‌کند... اصول ۴۴ و ۴۷ قانون اساسی، مشعر به همین مقصود است. مادهٔ ۳۱ قانون مدنی در همین زمینه مقرر می‌دارد: «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون».

مواد ۳۰۸ به بعد همین قانون، غاصب را به ردّ عین ملک و منافع آن مکلف می‌کند و مسئولیت تلف عین و توابع آن را بر عهدهٔ او می‌نهد. با وجود این انحصاری بودن مالکیت خصوصی نیز به مفهوم گذشتهٔ خود باقی نمانده و از جهات گوناگون محدود شده است.

وصف دوام: این وصف در هیچ یک از مواد قانون مدنی تصریح نشده و حتی در مورد مالکیت منافع نیز شرط مدت الزامی است؛ مانند مادهٔ ۴۶۸ قانون مدنی. ولی باید دانست که گذشته از این مورد، حق مالکیت دائمی است و طبیعت آن با موقتی بودن منافات دارد؛ چنان که در قانون مدنی نیز با مرگ مالک از بین نمی‌رود و فقط ممکن است به یکی از اسباب انتقال به دیگری واگذار شود (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۰۸).

در فقه، استفاده از حق مالکیت در قالب قاعدهٔ تسلط یا تسلیط یا سلطنت بیان شده

است. مفاد قاعده این است که هر مالکی نسبت به مال خود تسلط کامل دارد و می‌تواند در آن هر گونه تصرفی اعم از مادی و حقوقی بکند و هیچ کس نمی‌تواند او را بدون مجوز شرعی از تصرفات منع کند. به دیگر سخن به موجب این قاعده، اصل بر آن است که همه گونه تصرفات برای مالک مجاز است؛ مگر آنکه به موجب دلیل شرعی خلاف آن ثابت گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۷/۱).

۲-۳. مفاد قاعده تسلیط

در بیان مفاد قاعده تسلیط سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه اول معتقد است که جمله «إِنَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» در مقام تشریح بیان شده و مفادش این است که مردم حق هر گونه تصرف مادی و حقوقی در اموال خود را دارند و می‌توانند این حق را به هر کیفیتی که بخواهند اعمال کنند (ر.ک: مراغی، ۱۴۱۷: ۹/۲؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۸: ۱۰۸/۱). به عبارت دیگر، هر گونه تصرفی مادام که عدم مشروعیت آن از سوی شارع اثبات نشده، توسط مالک مجاز و مشروع است. برخی فقها این نظر را قبول ندارند؛ زیرا مستلزم آن است که حدیث یادشده در مقام تشریح باشد و بر جواز هر تصرفی که مشروعیت آن از ناحیه شارع ثابت نشده، دلالت کند (توحیدی، بی‌تا: ۱۰۱/۲).

دیدگاه دوم معتقد است که مردم بر اموال خود هر نوع تسلطی دارند، ولی در کیفیت و شیوه اعمال این سلطنت تابع مقررات اند (ر.ک: انصاری، ۱۴۳۴: ۴۱/۳). به تعبیر دیگر، این قاعده صرفاً بر صحت تصرفات انجام شده در مال در مرحله مسببات - همانند بیع، صلح و... دلالت دارد و بر سلطنتی که به مرحله اسباب بازگشت دارد، دلالت نمی‌کند... (املی، ۱۴۱۳: ۱۳۵/۱).

دیدگاه سوم مبین این نکته است که این قاعده تنها در مقام بیان عدم محجوریت مالکان است و همین مقدار بیان می‌کند که مردم نسبت به اموالشان در جهات مشروع حق تصرف دارند (ر.ک: توحیدی، بی‌تا: ۱۰۱/۲).

بنابراین و با توجه به دسته‌بندی صورت گرفته، به نظر می‌رسد برداشت دوم صحیح است؛ چرا که اعمال حق مالکیت به طور مطلق سبب اختلال نظم عمومی می‌شود. به این دلیل که اعمال حق فردی در مواردی سبب مزاحمت با حقوق دیگر افراد خواهد

شد؛ برای همین باید چگونگی تصرف و شیوه به کارگیری آن تابع مقررات باشد.

۳-۳. ادله مشروعیت استفاده از حق مالکیت

حین بررسی آیات قرآن به سه گونه مالکیت برمی‌خوریم: دسته‌ای از آیات هستند که مالکیت را مطلقاً برای خدا بیان می‌کنند.^۱ دسته‌ای دیگر بیانگر مالکیت نیایی انسان نسبت به خدا هستند^۲ و دسته سوم نیز با به کارگیری واژه مال و اموال، مالکیت انسان را تبیین می‌کنند که همین دسته در بحث ما ضرورت دارند. برای نمونه می‌توان به آیات ۲۷۹ سوره بقره، ۲ و ۲۹ سوره نساء، ۲۸ سوره انفال و ۹ سوره منافقون اشاره نمود.

از روایات نیز برای نمونه می‌توان به مواردی اشاره کرد:

- ۱- پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مردم بر اموال خود مسلط هستند (احسائی، ۱۴۰۵: ۲۰۸/۳).
- ۲- راوی می‌گوید^۳ به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: مردی که فرزند دارد، آیا می‌تواند مال خود را برای نزدیکانش قرار دهد؟ امام فرمود: مال اوست، با آن هر کار می‌خواهد می‌تواند بکند تا اینکه مرگ او فرا رسد (کلینی، ۱۴۲۹: ۳۳۰/۱۳).
- ۳- امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: صاحب مال تا زمانی که روح در بدن دارد، نسبت به استفاده از مال خود به هر صورت که بخواهد، از هر فردی شایسته‌تر است (همان: ۳۲۷/۱۳).

در متون قانونی نیز ماده ۳۰ قانون مدنی ضمن پذیرش این حق مقرر می‌دارد: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد».

نیز در ماده ۳۱ قانون مذکور آمده است:

«هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد، مگر به حکم قانون».

۱. مانند «لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ» (مائده / ۱۲۰).

۲. مانند «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِقِينَ فِيهِ» (حدید / ۷).

۳. محمد بن یحیی و غیره عن محمد بن أحمد، عن يعقوب بن يزيد، عن يحيى بن المبارك، عن عبد الله بن جبلة، عن سماعة.

۴. عدّة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن عيسى، عن الحسن بن عليّ، عن ثعلبة بن ميمون، عن أبي الحسن الساباطي، عن عمّار بن موسى: أنّه سمع أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام يقول....

۴. سوءاستفاده از حق مالکیت

یکی از شاخصه‌های حق مالکیت، مطلق بودن این حق بود؛ بدین معنا که فرد می‌تواند با ملک خود هر کاری که می‌خواهد انجام دهد و محدودیتی در استفاده از آن نسبت به او متصور نیست. تا دو قرن اخیر بسیاری از نویسندگان فرانسوی حق را مطلق می‌پنداشتند؛ به این معنا که کسی که حق خود را اعمال می‌کند، هرچند در اجرای آن به دیگری ضرر زند، محدودیت و مسئولیتی ندارد (Ripert, 1956: 2/965). اما حق آن است که ثمره اطلاق مطلق چیزی جز هرج و مرج و تضییع حقوق دیگران نیست. برای همین باید جهت استفاده نابهنجار یا سوءاستفاده از حق چاره‌ای اندیشید. در حقوق اسلامی، قاعده «لا ضرر ولا ضرار» که منع از سوءاستفاده از حق را ایجاب می‌کند، خاستگاه برخی اصول و مواد قانونی مورد نیاز برای این منظور است. اصل ۴۰ قانون اساسی مقرر داشته است:

«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

مواد ۶۵، ۱۱۴، ۱۲۲، ۱۳۲، ۱۵۹، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۴، ۶۰۰، ۸۳۳، ۱۰۲۹ و ... از قانون مدنی مبتنی بر قاعده «لا ضرر ولا ضرار» هستند.

در اصل ۴۰ قانون اساسی دو مورد نفی شده است: اضرار به غیر و تجاوز به منافع عمومی؛ بدین معنا که هر کس بخواهد از حقوق خویش بهره‌برداری نماید، تا جایی این آزادی را دارد که بهره‌برداری او مایهٔ زیان دیگران (فردی) یا مصداق تجاوز به منافع عمومی (اجتماعی) نشود. مادهٔ ۱۳۲ قانون مدنی نیز هرچند مسئله را به صورت مثال همسایه بیان نموده است، ولی می‌توان با تنقیح مناط یا الغای خصوصیت حکم، آن را برای موارد دیگر نیز جاری نمود. علاوه بر این، مادهٔ ۱۳۲ قانون مدنی ویژگی مطلق بودن مالکیت را که در مادهٔ ۳۰ قانون مزبور بدان تصریح شده است، محدود می‌کند؛ بدین معنا که قاعده «لا ضرر» که مبنای مادهٔ ۱۳۲ است، سبب تحدید گسترهٔ قاعده «سلطنت» در مادهٔ ۳۰ شده است.

همچنان که پیشتر بیان شد، پشتوانهٔ اصل ۴۰ و مادهٔ ۱۳۲ قاعده «لاضرر» است.

برای همین در این بحث با پرسش‌هایی روبه‌رو می‌شویم که نیازمند بررسی هستند؛ از جمله: آیا بیکار کردن دیگران با توجه جایگزینی ربات یا فناوری رباتیک سبب وارد آمدن زیان به افراد است؟ آیا محدود نمودن مالک در استفاده از ملکش در مورد بحث، مصداق ضرر است؟ آیا در اثبات ضرر، قصد اضرار در مسئله مداخلت دارد؟ آیا فرضیه تعارض دو ضرر در مورد بحث امکان وقوع دارد؟ و در صورت وقوع کدام یک مقدم است؟

در باره مداخلت قصد اضرار یا عدم آن باید به یک اصل مهم توجه نمود که در فقه و حقوق اسلامی، مقنن به غایت اجتماعی و حقوقی توجه دارد و در اصول قانون اساسی به جزئیات حقوقی پرداخته نمی‌شود. برای همین شاید در نظر نخست چنین متبادر شود که با توجه به اصول متعدد قانون اساسی، قصد اضرار منظور مقنن بوده است و وی نگاهی به مطلق ضرر ندارد. برای نمونه در اصل ۴۰، به ممنوعیت اعمال حق در صورت اضرار به دیگران و تجاوز به منافع عمومی اشاره شده است. در بند ۵ اصل ۴۳ در راستای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و...، اضرار به غیر ممنوع شمرده شده است. از مفهوم اصل ۴۸ نیز می‌توان به ممنوعیت اضرار به غیر دست یافت؛ آنجا که بیان داشته است که هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالک نسبت به کسب و کار خود، امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

در تمامی این موارد این مفهوم مورد نظر است که شخص در اعمال حق خود با «قصد اضرار» زبانی به دیگری وارد آورد. چنین گفته‌ای مورد پسند است ولی این واقعیت به این معنا نیست که قانون اساسی قصد اضرار را تنها ضابطه سوءاستفاده از حق دانسته است؛ زیرا همان گونه که گفته شد، قانون اساسی به جزئیات امور حقوقی نمی‌پردازد؛ بلکه نقش آن بیان کلیاتی است که جنبه محوری دارند. در حقیقت این اصول از قانون اساسی تنها زیان‌آورترین فرد شایع سوءاستفاده از حق را بیان کرده و ممنوع دانسته است. از هیچ یک از این اصول استنباط نمی‌شود که تنها مصداق و یگانه مورد سوءاستفاده از حق از نظر قانون اساسی، موردی است که در آن قصد اضرار وجود داشته باشد. قوانین لازم‌الاجرای دیگری به روشنی ثابت می‌کنند که غیر از

ضابطه قصد اضرار، ضوابط دیگری نیز در این زمینه مورد توجه می‌باشد؛ هرچند با توجه مبانی غنی فقهی، این اصل می‌توانست به صورت جامع‌تر تنظیم شود، به طوری که ضابطه محوری یعنی نفی ضرر را در بر گیرد. همین دیدگاه در رابطه با تدوین ماده ۱۳۲ قانون مدنی لحاظ شده است که بیانگر ضابطه نفی ضرر است. در این مورد کافی است به صدر ماده توجه شود که مقرر داشته است: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود». این قاعده کلی و اصل اساسی است و استثنائات بعد از آن، شمول قاعده را از بین نمی‌برد و مواردی که این ماده پیش‌بینی می‌کند، خارج از فرض «قصد اضرار» است (ر.ک: بهرامی احمدی، ۱۳۷۰: ۲۰۳). از این رو همین که عمل و فعل انسانی موجب زیان به دیگری شود، مصداق سوءاستفاده از حق است.

۵. سوءاستفاده از حق مالکیت ربات

۱-۵. بررسی مصادیق ضرری بودن فناوری رباتیک

فناوری‌های نوین با هدف خدمت به جامعه بشری مورد مطالعه و بهره‌برداری قرار گرفته و همیشه در راستای تسهیل امور جاری زندگی انسان‌ها به کارگیری می‌شوند؛ ولی از این حقیقت نیز نباید چشم پوشید که این فناوری‌ها با همه کارآمدی و فوایدی که دارند، گاه می‌توانند موجبات زیان و ضرر را برای انسان یا جامعه انسانی فراهم آورند. فناوری رباتیک نیز از این قاعده مستثنا نبوده و دارای مزایای فراوانی مانند انجام کارهای تکراری و حوصله‌بر، کارهای خطرناک، بلند کردن اجسام سنگین، تولید ماشین، انجام کاوش‌های فضایی، خنثی‌سازی بمب، کار کردن در محیط‌های خطرناک و غیر بهداشتی و کار کردن شبانه‌روزی است. اما در مقابل این خدمات، دارای معایبی است که گاه پیامد آن‌ها، ورود ضربات سنگین به انسان، خانواده و جامعه است که به هیچ روی قابل پذیرش یا اغماض نیستند. شاید مهم‌ترین ارمغان فناوری رباتیک، صرفه‌جویی در هزینه اشتغال باشد؛ اما وقتی این مزیت از جوانب گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و... بررسی گردد، چنین به دست

می‌آید که پیامد این مزیت، از دست دادن شغل، بیکاری متوالی افراد، پایین آمدن تمایلات و سطح توانمندی اجتماعی افراد و در نهایت منزوی و درون‌گرا شدن آن‌هاست که با توجه به این پیامدهای منفی، نمی‌توان این مزیت را قابل توجه دانست.

با توجه به رشد و شتاب روزافزون فناوری، تردیدی نیست که بسیاری از فرصت‌های شغلی در آینده در اختیار ربات‌ها قرار گرفته و انسان‌ها شغل‌های خویش را از دست خواهند داد^۱ و دیگر نیازی به نیروی انسانی کار در سطح وسیع وجود نخواهد داشت. پرسشی که در اینجا خودنمایی می‌کند آن است که در این صورت، راه امرار معاش انسان‌ها چه می‌تواند باشد؟ راه مقابله با این تهدید چیست؟ از سوی دیگر چه سان می‌تواند از وجود این فناوری‌ها بهره برد؟ و آیا کارخانه‌داران و صاحبان سرمایه اقتصادی حتی دولت‌ها به منظور دستیابی به سود بیشتر حق دارند اقدام به جایگزینی ربات به جای نیروی انسانی کار کنند؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها نخست باید گفت که تصور آینده بدون شغل بسیار سخت است. از سوی دیگر، جایگزینی ربات با نیروی انسانی، با دید سرمایه‌داری و با هدف و انگیزه سودآوری بیشتر برای صاحبان سرمایه و دولت‌ها و کارخانه‌داران صورت گرفته و در راستای اهداف آن‌ها گزینه مناسبی خواهد بود. این ایده که منشأ آن سوءاستفاده از قدرت و دارایی و مقام است، برای جامعه از این جهت که باعث از دست رفتن شغل و ایجاد بیکاری می‌شود، پدیده میمونی نیست. در واقع بیکار شدن افراد در سطح کلان، علاوه بر خدشه‌دار کردن اصل ارزشی و ارزشمندی کار، پیامدهای متفاوتی به دنبال دارد که در مجموع از آن‌ها می‌توان مصداق ضرر و زیان رساندن به غیر در امر اشتغال را نتیجه گرفت.

به این نمونه‌ها توجه کنید:

۱- کارخانه ربات‌ها می‌توانند شغل میلیون‌ها کارگر صنایع پوشاک را تهدید کنند

(<<https://www.theguardian.com/sustainable-business/2016/jul/16/robot-factories-threaten-jobs-millions-garment-workers-south-east-asia-women>>).

1. <<https://www.isna.ir/news/95081711993>>; <<http://www.seoultehran.com/news/186634>>.

۲- فرصت‌های شغلی که در آینده در اختیار ربات قرار می‌گیرند: به طور کلی باید توجه داشت که ربات امروزه در صنعت خودروسازی، بسته‌بندی، الکترونیک، سیستم‌های اتوماتیک، علوم فضایی، سیستم‌های آموزشی، سیستم‌های بهداشتی، داروسازی، تحقیقات، علوم نانو، تشخیص و شناسایی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. طی چند سال اخیر، محبوبیت ربات‌ها نزد مردم بسیار افزایش یافته است و کارشناسان توسعه این علم را به نوعی پیشرفت در همه علوم می‌دانند. با وجود این، نتایج حاصل از مطالعه جدید مرکز MIT نشان داده است که به زودی ربات جای ۵ شغل انسان را می‌گیرد و به عبارت دیگر در پنج دسته شغلی، بیکاری ایجاد می‌کند؛ مشاغل مانند صندوق‌داری و بازیابی، اپراتور تلفن، فروشندگی، کارمندان بانک، جراحی

(<www.iran-newspaper.com/1392/9/28/Iran/5539/Page/19>).

۳- مدیر عامل شرکت‌های اسپیس‌ایکس و تسلا موتورز از نیاز بشریت به یک درآمد ثابت برای تمام مردم جهان خبر داد؛ زیرا در اثر اتوماسیون، همه مشاغل را ربات‌ها در دست خواهند گرفت. الون ماسک اظهار کرد: در آینده انسان‌ها زمان بیشتری برای انجام کارهای جالب‌تر و پیچیده‌تر خواهند داشت. ما باید بدانیم که چگونه با جهان مملو از هوش مصنوعی در آینده کنار بیاییم. در حال حاضر ربات‌ها برخی از مشاغل را در کارخانه‌ها انجام می‌دهند و با این رویه، در آینده ممکن است اکثر کارها به طور اتوماسیون و توسط این هوش‌های مصنوعی صورت بگیرند. اگرچه ویژگی‌هایی مانند خلاقیت در کارها هنوز فقط توسط انسان قابل انجام است، اما شرکت‌ها در تلاش‌اند تا این گونه خصوصیات را نیز به دنیای هوش مصنوعی وارد کنند

(<<https://www.isna.ir/news/95081711993>>).

۴- نامنی شغلی، یکی از موضوعات و زمینه‌های مرکزی رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ بوده است؛ آنچه به تهییج خشم عمومی علیه توافقات تجاری و مهاجرت دامن زده است. اما اقتصاددانان هشدار می‌دهند که آمریکایی‌ها بیشتر و بیشتر شغل‌های خود را از دست خواهند داد؛ نه به خاطر رقابت خارجی، بلکه به دلیل پیشرفت فناوری. مسئله عمیق‌تری که آمریکا با آن روبه‌روست، این است که چگونه باید برای ده‌ها میلیون راننده کامیون، حسابدار، کارگر کارخانه

و کارمند اداری، کارهای ارزشمند با درآمدهای مناسب فراهم کرد؛ در حالی که به خاطر ربات‌ها، خودروهای بدون راننده و ماشین‌های آموزش‌پذیر، مشاغل کنونی آن‌ها طی سال‌های پیش رو ناپدید خواهد شد؟ تحلیلگران مؤسسه «مک کنزی» در مقاله جدیدی که ماه گذشته منتشر شد، دیدگاه‌های خود را مشخص‌تر بیان کرده‌اند. آمارهای آن‌ها که برگرفته از داده‌های «اداره آمار کار» ایالات متحده است و بیش از ۸۰۰ هزار شغل را پوشش می‌دهد، تصویر شوک‌برانگیزی را از آینده ترسیم می‌کند. در بخش تولید، ۵۹ درصد تمام فعالیت‌های شغلی باید اتوماتیزه شود و این شامل ۹۰ درصد از کاری است که جوشکارها، تراشکارها و لحیم‌گرها انجام می‌دهند. در بخش خدمات غذایی و اقامتی، ۷۳ درصد از کار می‌تواند توسط ماشین‌ها انجام شود. در خرده‌فروشی، ۵۳ درصد از مشاغل کنونی می‌تواند حذف شود. در سراسر دنیا، ربات‌ها دارند جای کارگران را می‌گیرند. طبق گزارش شورای مشاوران اقتصادی کاخ سفید، تراکم ربات در هر ۱۰ هزار کارگر، در ژاپن و آلمان بیشتر از آمریکاست. در گزارش اقتصادی ماه فوریه این شورا با استناد به مطالعات پژوهشی چنین عنوان شد که «استخدام‌شدگان با مهارت‌های متوسط» از جمله کتابدارها، منشی‌ها و کارگران خطوط موتناژ، زودتر از دیگران جای خود را به ربات‌ها داده‌اند؛ اما فناوری ماشین‌های آموزش‌پذیر به زودی بسیاری از مشاغل دیگر را نیز اتوماتیزه خواهد کرد... (<<http://www.seoultehran.com/news/186634>>).

۲-۵. پیامدهای بیکاری در فناوری رباتیک

۱-۲-۵. وقوع جرایم علیه اموال، مالکیت و جامعه

با توجه به شواهدی که ذکر شد می‌توان مهم‌ترین پیامد از دست دادن مشاغل را تنگدستی، اعسار، افساد و -در سطح وسیع- اخلال در نظم اقتصادی و عمومی دانست. تنگدستی و فقر زمانی به وجود می‌آیند که افراد جامعه، توانایی کسب درآمد نداشته باشند. اعسار و تنگدستی به معنای عام آن، ناتوانی در پرداخت مخارج زندگی است و این نتیجه طبیعی جایگزینی ربات و انسان است که هرچند بتوان منافعی را بر آن مترتب دانست، ولی ضرر و زیان فراوان ناشی از آن را نباید از ذهن دور داشت. از سوی دیگر

فقر و تنگدستی می‌تواند به وجود آورندهٔ فساد هم باشد. به دیگر سخن، میان این دو ارتباط وجود دارد و عوامل اقتصادی به شکل مزبور می‌تواند در وقوع جرائم مؤثر باشد. نتایج به دست آمده از یافته‌های (برخی) تحقیقات نشان می‌دهند که بیکاری علاوه بر مخارجی همچون هزینهٔ بیمهٔ بیکاری و هزینه‌های مربوط به کاهش مهارت و تخصص نیروی کار و سایر مخارج مستقیم و غیر مستقیمی که بر اقتصاد یک جامعه می‌گذارد، در بردارندهٔ هزینهٔ دیگری نیز هست و آن افزایش جرایم علیه اموال و مالکیت به ویژه سرقت است که به دنبال خود، آثار زیانباری را بر جامعه تحمیل خواهد کرد (ر.ک: گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰: ۴۰۱).

در تحقیقی دیگر، فقر و بیکاری از عوامل مؤثر بر جرم شمرده شده است. در ادبیات اقتصادی دو نوع فقر وجود دارد: اول، فقر مطلق که از طریق خط فقری که به عنوان تأمین حداقل هزینه‌های لازم زندگی برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت تعریف می‌شود، قابل اندازه‌گیری است. دوم، فقر نسبی که در این حالت فرد حداقل‌ها را دارد، لیکن نسبت به سایر گروه‌های جامعه فقیر محسوب می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۶۶). بنابراین ایجاد بیکاری و بیکار کردن افرادی که دارای شغل هستند، به معنای سوق دادن آنان به فقر مطلق است که این در بحث، به معنای ایجاد زیان نسبت به دیگران مصداق می‌یابد (همان: ۶۹). این در حالی است که بیکاری متغیری است که نمایندهٔ فقدان فرصت‌های قانونی برای کسب درآمد است. وقتی فردی بیکار می‌شود، بازدهی نهایی ناشی از فعالیت‌های قانونی کمتر از قبل شده و انگیزه و احتمال ورود وی را به فعالیت‌های مجرمانه افزایش می‌دهد. ایدهٔ اساسی رابطهٔ مثبت بین بیکاری و جرم این است که فرد بیکار قادر به حفظ استاندارد خاص زندگی خود نیست؛ بنابراین بیکاری اثر تکانه‌ای^۱ است که فرد را مجبور به وارد شدن در فعالیت‌های مجرمانه می‌کند (صمدی، ۱۳۹۲: ۱۹۵).

با توجه به آنچه ذکر شد، اگر به کارگیری ربات در مشاغل گوناگون سبب بیکاری افراد جامعه در حد وسیع شود و به دست آوردن فرصت مجدد شغلی در فرایندی

1. Shock effect.

طولانی ایجاد شود یا اصلاً ایجاد نشود، سبب تحقق جرائم متعدد در جامعه می‌شود. به دیگر سخن، وقتی در اثر تصرف مشاغل توسط ربان، بیکاری در بیشتر مشاغل نمود یابد، فرد در اثر عدم کسب درآمد، دچار فقر می‌گردد و شواهد زیادی وجود دارد که فقر می‌تواند به عنوان عاملی مهم در تحقق جرم قلمداد گردد. دلیل اصلی این رابطه نیز این است که وقتی فردی گرسنه باشد، دست به دزدی غذا می‌زند. بنابراین فقر باعث افزایش فعالیت‌های مجرمانه می‌شود که این بیانگر آن است که میان نرخ جرم و نرخ فقر ارتباط وجود داشته و هر اندازه که فقر افزایش یابد، افزایش جرم را نیز در پی خواهد داشت.

۲-۲-۵. اختلال در نظم مقاصد شریعت

۱-۲-۲-۵. تولید همراه با اشتغال

با توجه به آنچه آمد، اگر این جرائم رو به افزایش نهاده و در سطح جامعه گسترش یابند، با توجه به اینکه بیکاری اصلی‌ترین شاخصه و خاستگاه همه آن‌هاست، در سطح کلان، مصداق افساد فی الارض بودن آن نیز دور از ذهن نخواهد بود. به دیگر سخن با توجه به ملاک‌های ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، توسعه بیکاری از جنبه مهم نیروی انسانی، باعث اختلال در نظام اقتصادی و نظم عمومی می‌شود؛ زیرا چرخ تولید کارخانه‌ها به واسطه وجود نیروی انسانی می‌چرخد و اگر این هدف با راهکار جایگزینی ربات توجیه گردد، از هم گسیختگی نظم عمومی به واسطه ایجاد جرایم علیه اموال و مالکیت و... قابلیت توجیه نخواهد داشت. هرچند توجیه جایگزینی ربات نیز بی‌فایده است؛ زیرا با توجه به ادله می‌توان ادعا نمود که تولید همراه با اشتغال از مقاصد شریعت اسلامی^۱ است. به دیگر سخن اگر در جامعه، امر تولید وجود داشته باشد، اما از اشتغال بی‌بهره باشد، با توجه به پیامدهای پیش گفته، جامعه اقتصادی دچار نوعی اختلال خواهد شد و چرخه اقتصادی آسیب می‌بیند.

خداوند در قرآن در چندین مورد اشتغال را مورد تأکید قرار داده است:

۱. مقاصد شریعت، اهداف ملحوظ شرعی در همه احکام یا بیشتر آن‌ها یا هدف نهایی شریعت و اسراری است که شارع برای هر حکمی از احکام وضع نموده است (حسینی، ۲۰۰۷: ۲۷۷).

الف) ﴿وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا... لِأُكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ (یس / ۳۳-۳۵)؛ برای ایشان، زمین مرده [خشک و بی گیاه] آیتی است، که آن را زنده [و سبز] کردیم... تا از میوه درختان و آنچه [با بهره‌وری از مواهب الهی] به دست خود به عمل آورده‌اند، بخورند، پس اکنون آیا شکر نمی‌گزارند؟

ب) ﴿وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا﴾ (فرقان / ۴۷)؛ روز را برای جنبش و کار قرار داد.

ج) ﴿وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا﴾ (نبا / ۱۱)؛ و روز را برای تحصیل معاش مقرر داشتیم.

با دقت و تتبع در روایات نیز می‌توان به اینکه اشتغال، هدفی اقتصادی است، پی برد: الف) ای مفضل! از چیزهایی عبرت بگیر که برای رفع نیازمندی‌های آدمی آفریده شده و تدبیرهایی در آن‌ها به کار رفته است؛ دانه برای خوراک او آفریده شده، لیکن آرد کردن و خمیر کردن و پختن آن به عهده خود انسان گذاشته شده است؛ کرک و پشم برای پوشش او آفریده شده، ولی زدن و رشتن و بافتن آن تکلیف خود اوست؛ درخت برای او آفریده شده، اما نشاندن و آب دادن و رسیدگی به آن، کارهایی است که خود باید بکند؛ گیاهان دارویی برای درمان او آفریده شده، لیک چیدن و ترکیب کردن و ساختن دارو از آن‌ها به خود او واگذار شده است؛ و دیگر چیزها را نیز به همین گونه خواهی یافت. پس بنگر که چگونه آنچه را که انسان خود نمی‌توانسته پدید آورد، خداوند پدید آورده است. لیکن در هر یک از آن‌ها جای کار و کوششی باقی گذاشته است؛ زیرا که صلاح آدمی در همین چگونگی بوده است، چون اگر این کار نیز از عهده آدمی برداشته می‌شد و برای او هیچ کار و شغلی باقی نمی‌ماند، انسان از ناسپاسی و سرمستی چنان می‌شد که زمین نمی‌توانست تحملش کند و سرانجام به کارهایی دست می‌زد که به تلف شدن او منجر می‌گشت. به واقع اگر همه نیازمندی‌های مردمان (بدون کوشش و کار و زحمت) در اختیار ایشان می‌بود، زندگی دیگر گوارا نمی‌شد و از آن لذتی برای هیچ کس فراهم نمی‌آمد. آیا ندیده‌ای که اگر کسی مهمان قومی شود و مدتی بماند و همه آنچه می‌خواهد از خوراک و پوشاک و پذیرایی در اختیارش باشد، از بیکاری خسته و ملول می‌شود و دلش می‌خواهد که خودش را به چیزی مشغول دارد؟ پس بر این قیاس کن که اگر آدمی در تمام عمر هر چه می‌خواست در اختیار می‌داشت، به چه رنجی گرفتار می‌شد، و حسن تدبیر در

چیزهایی که برای انسان آفریده شده، در آن است که جایی برای کار آدمی در آن‌ها باقی مانده است، تا هم از بیکاری دلگیر نشود و هم او را از پرداختن به چیزهایی بازدارد که یا به دست نمی‌آید یا به خیر و صلاح او نیست... بدان ای مفضل! خدا (به دست آوردن) نان را دشوار قرار داده است که جز با تدبیر و حرکت به آن دسترس پیدا نمی‌شود، تا در این کار برای انسان شغلی فراهم شود که او را از پیامدهای بیکاری، یعنی سبکسری و بیهودگی بازدارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۰۳/۳-۸۷).

ب) به گنجشکان بنگر که چگونه خوراک خود را در هنگام روز به چنگ می‌آورند و چنان است که این خوراک یک‌جا آماده و در اختیار آن‌ها نیست، بلکه باید با حرکت کردن و جستجو کردن، به آن دسترس پیدا کنند. وضع همه آفریدگان به همین گونه است؛ پس منزّه است خداوندی که روزی آفریدگان خود را به اندازه مقدر کرد... و آن را چنان قرار نداد که از دسترس به دور باشد؛ زیرا آفریدگان به آن نیازمندند، و چنان نیز نداشت که به رایگان و بی‌هیچ تلاشی در دسترس آنان واقع شود؛ زیرا که در این چگونگی، هیچ مصلحتی وجود نمی‌داشت. اگر نیازمندی‌های خوراکی به صورت یک‌جا و آماده وجود می‌داشت، چارپایان به آن حمله می‌بردند و آن اندازه می‌خوردند تا شکم‌هایشان باد کند و هلاک شوند. آدمیزادگان نیز با فراغتی که برایشان پیش می‌آمد به نهایت ناسپاسی و سرمستی گرفتار می‌شدند و تباهی و زشت‌کاری سراسر زمین را می‌گرفت (همان: ۱۰۶/۳).

ج) راوی می‌گوید: نزد امام صادق ع نشسته بودیم که «علاء بن کامل» وارد شد و روبه‌روی امام صادق نشست و گفت: دعا کن که خدا روزی مرا به راحتی نصیب کند. فرمود: چنین دعایی نمی‌کنم. برو کار کن، چنان که خداوند بزرگ به تو امر کرده است (که کار کنی و از دسترنج خود بخوری) (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۴۰/۹).

۲-۲-۵. اختلال در ازدواج و حفظ نسل

گذشته از این مورد، پیامد منفی دیگر بیکاری، هلاک نسل انسانی است؛ زیرا وقتی فرد قادر به تأمین هزینه‌های زندگی خویش نباشد و نتواند با توجه به اقتضائات طبیعی، دست به ازدواج و تشکیل خانواده بزند، مسئله تولید مثل رو به کاهش می‌گذارد که این

موجب هلاک نوع انسانی است، در حالی که ابقاء و حفظ نسل از مقاصد شریعت اسلامی است که جز با ازدواج و اتصال جنسی طبیعی زن و مرد رخ نمی‌دهد (انصاری، ۱۴۲۹: ۱۵۰/۳). در برخی تفاسیر، آیه «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره/۲۰۵) ناظر به همین مسئله شمرده شده است. این آیه می‌خواهد جمله قبلی یعنی فساد در زمین را بیان کند و بفرماید فساد و افسادش به این است که قوام نوع انسانی در بقای حیاتش به غذا و تولید مثل است. اگر غذا نخورد، می‌میرد و اگر تولید مثل نکند، نسلش قطع می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۶/۲). در این آیه مقصود از حرث، زنان و «نسل» فرزندان می‌باشند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مراد از «حرث» در اینجا دین است و منظور از «نسل» مردمانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۴/۲).

بنابراین و بر اساس آنچه ذکر شد، یکی از مقاصد مهم شریعت، تولید، اشتغال افراد و نیز ازدواج و تولید نسل است. این در حالی است که توسعه فناوری رباتیک بدون لحاظ رابطه معنادار تولید و اشتغال، می‌تواند در تعارض با این مقاصد قرار گیرد.

۲-۳-۵. عدم تقارن رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی

نکته قابل اهمیت دیگر اینکه از دیدگاه اسلام، میان رشد و توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد. رشد اقتصادی یعنی افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرصه کل، تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد (کوزنتس، ۱۳۷۲: ۱۷). رشد اقتصادی در همه مکاتب به عنوان هدف شناخته می‌شود، ولی در مکتب اقتصادی اسلام، افزایش ثروت هدف متوسط جامعه است نه هدف نهایی. به دیگر سخن، افزایش ثروت، ابزار و وسیله‌ای است که در خدمت رفع نیازهای انسان در جریان تکامل و تعالی قرار می‌گیرد (جهانین، ۱۳۸۸: ۳۵-۳۶). بنابراین و بر اساس نظر بسیاری از نویسندگان اسلامی، رشد اقتصادی تنها در چارچوب نگرش عدالت‌خواهانه معنادار است (همان: ۲۷۴). به دیگر سخن، برخی دانشمندان معتقدند که همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است (احمد، ۱۳۷۴: ۲۶۹). شهید صدر نیز بر این عقیده است که رشد و افزایش تولید در نگرش اسلامی، یکی از پایه‌های برپایی خلافت صالحان می‌باشد. اساساً ایشان

گسترش ثروت را یکی از اجزای عدالت اقتصادی که شامل عدالت توزیعی می‌شود، می‌داند؛ یعنی رشد اقتصادی و عدالت توزیعی به هدف نهایی که رفاه اقتصادی جامعه است، کمک می‌کنند (جهانیان، ۱۳۸۸: ۲۷۵). به دیگر سخن، رشد اقتصادی و تولید فراوان زمانی ارزشمند است که بتواند رفاه اجتماعی همه افراد را به ویژه از راه اشتغال، افزایش درآمد و ارتقای سطح زندگی به همراه داشته باشد. حال اگرچه با استقرار فناوری سرمایه‌بری مانند رباتیک بتوان به سود بسیار دست یافت، ولی چون به کارگیری ربات در این عرصه سبب بیکاری افراد می‌شود، می‌تواند وضعیت جامعه را از حیث نرخ بیکاری وخیم‌تر سازد که در این صورت رشد و توسعه و تولید، خاستگاه رفاه یک‌طرفه و به نفع مالکان و سرمایه‌داران خواهد بود و جنبه عمومی نخواهد داشت.

از سوی دیگر، توسعه اقتصادی به معنای رشد همراه با افزایش ظرفیت‌های تولیدی مانند ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی است. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد، اما کنار آن نیز می‌توان شاهد تحول نهادهای اجتماعی بود. علاوه بر این اگر علاج فقر، بیکاری و نابرابری را شاخصه‌های توسعه اقتصادی بدانیم، می‌توان ادعا کرد که میان اشتغال و رشد و توسعه، رابطه معنادار وجود دارد. در حقیقت رشد اقتصادی به عنوان راهکاری مهم برای حل بحران اشتغال تلقی شده است که اقتصاددانان با استفاده از قانون اوکان^۱ ارتباط میان رشد و اشتغال را پیگیری می‌کنند. مطالعات تجربی مؤید درستی و صحت این قانون است (شهبازی و طالبی، ۱۳۹۱: ۱۹). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر اندازه رشد و توسعه رو به افزایش نهد، باید بیکاری روندی رو به کاهش داشته باشد. عکس همین قضیه هم صادق است؛ بدین معنا که هر اندازه رشد و توسعه کاهش یا توقف یابد، نرخ اشتغال سیری صعودی خواهد یافت. برای همین وقتی فعالیت‌های اقتصادی شکل می‌گیرند، به اشتغال رسیدن نیروی کار به عنوان یک نهاده مهم در کنار سرمایه، مورد نیاز خواهد بود. این در حالی است که فناوری رباتیک این تناسب را در امر اشتغال بر هم می‌زند.

1. Okun.

۴-۲-۵. اخلال در شاخص توسعه انسانی

امروزه شاخص توسعه انسانی^۱ یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی است که شاخصی ترکیبی برای سنجیدن موفقیت در هر کشور است و دارای سه معیار امید به زندگی، آموزش و درآمد می‌باشد. مهم‌ترین مشکلی که فناوری رباتیک در بعد اشتغال در این زمینه ایجاد می‌کند، این است که وقتی آرام آرام بیشتر مشاغل در اختیار ربات‌ها قرار گیرند، آموزش و تربیت تخصصی نیروی کار، امری بیهوده تلقی می‌شود؛ بدین معنا که وقتی در مشاغل از نیروی انسانی استفاده نشود، فرایند آموزش آکادمیک و حرفه‌ای دچار ایستایی و تعطیلی شده و دیگر نیازی بدان احساس نمی‌شود. از سوی دیگر وقتی فرد نتواند تخصص کسب کند، جامعه نمی‌تواند از او بهره‌مند شود. لذا کاری که نیاز به کسب حرفه و تخصص در اختیار او قرار نمی‌گیرد که این امر منجر به نداشتن درآمد یا پایین آمدن آن می‌شود و خود این امر هم کاهش سطح امید به زندگی را در پی خواهد داشت. برای نمونه اگر ربات کتابدار در همه عرصه‌های کتابداری مانند دسته‌بندی و طبقه‌بندی کتاب‌ها، ثبت اطلاعات، آماده‌سازی منابع اطلاعاتی، فهرست‌نویسی و... جایگزین کتابدار شود، کسب تخصص و مطالعه مستمر و هدفمند درباره خدمات نوین کتابداری و ارتقای دانش نیروی انسانی کتابدار برای جامعه ضرورتی نخواهد داشت و این بدین معناست که جامعه در این عرصه نیاز به متخصص ندارد. با سیر نزولی سطح آموزش، سطح درآمد هم تنزل یافته و در اثر عدم نیاز به نیروی متخصص به صفر می‌رسد که باعث کاهش سطح امید به زندگی نیز می‌شود.

۶. بررسی تعارض دو قاعده «لاضرر» و «تسلیط» در فناوری رباتیک

مهم‌ترین دلیلی که در این بحث ممکن است مطرح شود این است که حق تسلیط و مالکیت ربات اصل بوده و حقی طبیعی محسوب می‌شود و نمی‌توان مالک ربات را از بهره‌وری از آن منع نمود. از سوی دیگر هر گونه استفاده از آن نیز می‌تواند در مواردی به حال دیگران زیان داشته باشد. از اینجا بحث تعارض دو قاعده رخ می‌نماید که باید

1. Human development index.

برای حل آن چاره اندیشید.

دربارهٔ تعارض قاعدهٔ «لاضرر» با قاعدهٔ «تسلیط» میان فقها چندین دیدگاه وجود

دارد:

۱- مشهور فقها قائل به جواز تصرفات مالک در ملک خود و تقدم قاعدهٔ «تسلیط» هستند. البته اطلاق کلام این دسته از دانشمندان بر صورت نیاز مالک و متضرر شدن در صورت ترک تصرف وی حمل می‌شود. شیخ طوسی در باب حفر کردن چاه فاضلاب یا توالت که نزدیک به چاه همسایه باشد (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۷۲/۳-۲۷۳)، ابن ادریس در باب آب‌ها و حریم حقوق (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳۷۴/۲)، علامه حلی در بحث دوازدهم از منافع کتاب احیاء موات (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵۱۴/۴)، شهید اول در بحث حریم املاک (عاملی جزینی، ۱۴۱۷: ۶۰/۳) و صاحب ریاض در همان بحث (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۴/۱۲۰) از جملهٔ فقهای هستند که این دیدگاه را پذیرفته‌اند.

۲- مطلقاً قاعدهٔ «لاضرر» بر قاعدهٔ «تسلیط» مقدم می‌شود. این قول به محقق قمی نسبت داده شده است (ر.ک: نراقی، ۱۴۲۲: ۲۸۹).

۳- چنانچه ضرر فاحش باشد، قاعدهٔ «لاضرر»، و در غیر این صورت قاعدهٔ «تسلیط» مقدم خواهد بود (ر.ک: سبزواری، ۱۴۲۳: ۶۳۶/۲).

۴- قاعدهٔ «لاضرر» بر قاعدهٔ «تسلیط» حاکم است (نجفی، ۱۴۰۴: ۵۱/۳۸؛ انصاری، ۱۴۳۴: ۴۶۲/۲؛ کاظمی خوانساری، ۱۳۷۳: ۲۰۹).

با این مقدمه تردیدی نیست که مفاد قاعدهٔ «لاضرر»، رفع و نفی حکم ضرری به‌طور مطلق است. به دیگر سخن، در مجعولات شرعی حکم ضرری یافت نمی‌شود و ضرر عنوان ثانوی برای مجعولات است. در بررسی تعارض این قاعده با قاعدهٔ «تسلیط» باید گفت که سلطنت از جانب شرع جعل شده است و وقتی که ضرری باشد، به واسطهٔ قاعدهٔ «لاضرر» نفی می‌شود. بنابراین همان‌گونه که قاعدهٔ «لاضرر» بر ادلهٔ احکام حاکم است، به دلیل اتحاد مناط در همهٔ احکام، همین حکم در مورد سلطنت هم جریان خواهد داشت.

در حقیقت این بحث که اگر به سبب تصرف مالک در مال خود، زیانی به دیگری وارد شود، دارای گونه‌هایی است:

- ۱- مالک فقط قصد اضرار به دیگری دارد، بدون وجود نفع یا دفع ضرر در تصرف خود.
- ۲- تصرف مالک خالی از نفع و ضرر و صرفاً از روی هوی و هوس بوده و قصد اضرار نیز وجود ندارد.
- ۳- قصد ضرر وجود ندارد، ولی در تصرف مالک در ملک منفعت وجود دارد.
- ۴- در ترک تصرف، ضرر نسبت به خودش وجود دارد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۴۲/۱؛ خالصی، ۱۴۱۵: ۹۹).
- در مقام بررسی باید گفت که در حکومت قاعده «لاضرر» بر قاعده «تسلیط» در دو صورت نخست تردیدی نیست؛ بنا بر اینکه شامل قاعده سلطنت در مورد زیان رسانیدن به دیگری - چه با قصد و چه بدون قصد- نیز می‌شود. اما اگر بگوییم تصرفاتی که موجب زیان به دیگری هستند، مالک نسبت به آنها نفعی ندارد و در ترک آن نیز زبانی متوجه مالک نمی‌شود، این مورد از عموم قاعده سلطنت خارج است و مجالی برای حکومت باقی نمی‌ماند؛ بلکه خروج این دو صورت از تحت عموم قاعده «سلطنت» تخصصی است، نه به واسطه حکومت. ولی انصاف حکم می‌کند که برای احتمال شامل نشدن این صورت نسبت به قاعده سلطنت توجیهی وجود نداشته باشد؛ زیرا ظاهر حدیث این است که برای هر مالکی نسبت به همه انواع تصرفات، سلطنت وجود دارد؛ حتی اگر با قصد اضرار هم باشد و خواه مستلزم ضرر به غیر باشد یا نباشد. در نهایت در صورت ضرر به دیگری، ضامن پرداخت خسارت خواهد بود. در صورت سوم نیز باید قائل به حکومت قاعده «لاضرر» نسبت به قاعده «تسلیط» شد؛ زیرا سلطنت مالکان بر اموالشان، حکم شرعی وضعی به عنوان اولی است و معلوم است که قاعده «لاضرر» بر ادله اولی که برای احکام نسبت به موضوعات آنها به عنوان اولی ثابت است، حکومت دارد. در صورت چهارم، قاعده ضرر نسبت به ضرر به دیگری با خودش نسبت به ضرر مالک تعارض می‌کند که پس از تساقط، مرجع قاعده سلطنت خواهد بود. ناگفته نماند که جواز تصرف مالک در صورت‌های سوم و چهارم از حیث حکم تکلیفی است که منافاتی با ثبوت ضمان نخواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۴۳/۱-۲۴۵).

آنچه از بحث این نوشتار در میان این گونه‌ها قابلیت انطباق دارد، گونه اول و سوم است. در صورت اول که قصد اضرار دارد، شکی در حرمت تصرف در مال نیست؛ زیرا مقتضای قاعده «لاضرر»، جلوگیری از وارد آوردن زیان به دیگری است، بنابراین در این صورت قاعده «لاضرر» بلامنازع حاکم است.

در صورت سوم نیز همان گونه که پیشتر در تفسیر اصل ۴۰ قانون اساسی گفته شد، قصد اضرار تنها ضابطه سوء استفاده از حق نیست، به این دلیل که در قانون اساسی به جزئیات امور پرداخته نمی‌شود. برای همین اگر در تصرف مالک، اضرار بر غیر صادق باشد و در ترک تصرف او نیز زیانی قابل توجه وجود نداشته باشد، وجه تقدم با قاعده «لاضرر» خواهد بود نه با دلیل «الناس مسلطون علی أموالهم»؛ بلکه حتی در مرحله‌ای بالاتر می‌توان آن را بر قاعده «لاخرج» مقدم داشت.^۱ با این توضیح که اگر چنین گفته شود که حکم به ترک تصرف مالک در مال خود، حکمی حرجی است، یعنی حرج و ضیق اگر سبب برای جواز مطلق تصرف مالک شود، علاوه بر قاعده «لاضرر»، معارض با دلیل عسر و حرج در طرف غیر نیز خواهد بود، در این صورت دلیل «لاخرج» در هر دو طرف تعارض پیدا می‌کند، در حالی که قاعده «لاضرر» از این معارضه سالم می‌ماند. البته این نکته شایان یادآوری است که برداشت مذکور در گونه سوم، با این منطوق صورت گرفته است که استفاده از ربات و فناوری وابسته به آن، به منظور سودآوری بیشتر باشد^۲ که در این صورت همان گونه که روشن است سود وجود دارد و به خاطر وجود سود جاری، این برداشت قابلیت پذیرش دارد. وانگهی با توجه به مفاد قاعده «لاضرر» و حاکم بودن آن بر احکام ادله اولیه، قانون‌گذار اسلام نیز اجرای قاعده «تسلیط» را منوط به عدم تحقق ضرر به دیگران دانسته و در صورت تعارض، با تزییق از جانب محمول، حکم به تقدم قاعده «لاضرر» بر قاعده «تسلیط» نموده است.

۱. شیخ انصاری معتقد به حاکمیت «لاخرج» بر «لاضرر» است (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۸: ۴۶۷/۲).

۲. این امکان وجود دارد که ماشین‌های هوشمند، دستیابی به نرخ رشد بالاتر را ممکن سازند، اما آن‌ها به همین میزان، تقاضا برای کار افراد را کاهش می‌دهند که این امر شامل نیروهای باهوش نیز می‌شود. در این صورت شاهد جامعه‌ای هستیم که هر روز ثروتمندتر می‌شود، اما تمام منافع ناشی از این ثروت به کسانی تعلق می‌یابد که مالک ربات‌هایند (<http://www.tarjomaan.com/barresi_ketab/7231>).

در مقام جمع‌بندی فرض تعارض دو ضرر باید گفت که مالک برای به دست آوردن سود بیشتر نمی‌تواند سبب بیکاری افراد دیگر شود؛ زیرا از دست دادن شغل، مصداق زیان رسانیدن به آنان است.^۱ برای همین از باب تقدم حق جامعه بر فرد و تحقق عدالت اجتماعی، زیان تنها در جانب افراد شاغلی قابل اعتنا خواهد بود که به دلیل زیاده‌خواهی مالک ربات، شغل خویش را از دست می‌دهند.

۷. ادله اثبات محدودیت استفاده از حق مالکیت ربات

۱-۷. تنقیح مناط و الغاء خصوصیت در مسئله

تنقیح مناط به معنای شناسایی علت حکم از کلام شارع و قانون‌گذار است. الغاء خصوصیت نیز حذف ویژگی‌های منصوص و تعمیم حکم به موارد دیگر است. با توجه به اصل ۴۰ قانون اساسی که برای اثبات عدم سوءاستفاده از حق مالکیت بدان استناد شده، می‌توان با استفاده از تنقیح مناط چنین گفت که مالک ربات نمی‌تواند استفاده از جنبه اطلاق حق خویش را وسیله‌ای برای اضرار و زیان رساندن به دیگران قرار دهد؛ یعنی وی هرچند حق هر گونه استفاده از مال خود را دارد، ولی در اینجا چون با جایگزینی آن سبب ورود زیان به دیگران به واسطه بیکار کردن آن‌ها می‌شود، طبق مبنای ملاک این اصل، حق مالکیت وی محدود می‌شود و در این مورد نمی‌تواند چنین بهره‌وری داشته باشد.

از سوی دیگر با الغاء خصوصیت «همسایگی» در ماده ۱۳۲ قانون مدنی می‌توان حکم به محدودیت استفاده از بهره‌وری نمود. بدین بیان که چون تصرف مطلق و هر گونه استفاده از فناوری رباتیک موجب زیان به دیگران به واسطه از دست دادن

۱. در واقع این پیشرفت تنها منافع گروه کوچکی از افراد را تأمین خواهد کرد و هم‌اینک نیز در حال تحقق یافتن است. برای نمونه، از میان پانزده آمریکایی ثروتمند، شش نفر از آن‌ها مالک شرکت‌های تکنولوژی دیجیتال هستند که قدیمی‌ترین آن‌ها، یعنی شرکت مایکروسافت، از سال ۱۹۷۵ تا کنون به فعالیت مشغول است. شش نفر دیگر این فهرست نیز صاحبان کسب و کارهای خانوادگی هستند، مانند والتون‌ها که امپراطوری خرده‌فروشی آن‌ها با دستمزدهای پایین، نشانه‌ای از ارزان شدن نیروی کار انسان در نسبت با ربات‌های انباردار است... (<http://www.tarjomaan.com/barresi_ketab/7231>).

شغلشان می‌شود، بر مبنای این ماده نیز نمی‌توان حکم به مطلق حق مالکیت وی نمود؛ بلکه باید استفاده وی را در این زمینه محدود کرد.

۲-۷. بنای عقلا

بی‌تردید بنای عقلا و ارتکازات عرفی نیز مبتنی بر عدم سوء استفاده از حق در استفاده از آن برای صاحب حق است و در این مورد فرقی بین مصادیق آن نیست؛ چنان‌که متخصصان فناوری رباتیک نیز بدین امر واقف‌اند. پروفیسور موشه وردی^۱ در سخنرانی در گردهمایی پیشرفت علم چنین بیان داشته است که انسان‌ها به کار کردن نیاز دارند و داشتن شغل یکی از ارکان جدایی‌ناپذیر از زندگی بشر محسوب می‌شود... به اعتقاد من باید از هم‌اکنون برای پیشگیری از سلطه ربات‌ها روی زندگی بشر و داشتن استفاده صحیح از آن‌ها، مطالعه و تحقیق کرده و سرمایه‌گذاری‌های لازم را در این زمینه آغاز نماییم. اگر از الآن به فکر نباشیم، ممکن است ۲۵ سال دیگر با یک انقلاب بزرگ اجتماعی مواجه شویم که نتیجه خوبی در پی نخواهد داشت و حتی شاید همانند انقلاب‌های تاریخی به مرگ میلیون‌ها انسان منجر شود. البته تنها ایشان نیست که چنین اعتقادی دارد، استفان هاوکینگ^۲ نیز معتقد است که هوش مصنوعی بزرگ‌ترین بلای زندگی انسان است (<https://www.cnet.com/news/stephen-hawking-artificial-intelligence-could-be-a-real-danger/>).

اریک برینیا لفسون^۳ اقتصاددان دانشگاه MIT و آندرو مک‌آفی^۴ که از پیشگامان اتوماسیون به شمار می‌روند، بر این عقیده‌اند که جایگزینی نیروی کار با ماشین‌ها، صرفاً آسیبی حاشیه‌ای نیست. هر زمان که نیروی کار با اتوماسیون مواجه شود، بیکاری تکنولوژیک در کوتاه‌مدت یا بلندمدت پیامد ضروری خواهد بود... حتی سودمندترین پیشرفت‌ها نیز نتایج نامطلوبی در پی خواهد داشت که باید مدیریت شود (Brynjolfsson & McAfee, 2014: 10).

1. Moshe Vardi.
2. Stephen Hawking.
3. Eric Brynjolfsson.
4. Andrew McAfee.

در ایران نیز بر حسب تتبع نگارندگان، شرکت «کرمان خودرو» برای اینکه کارگران خود را بیکار نکند، از تجهیز سالن رنگ آمیزی آن شرکت به فناوری رباتیک خودداری نموده است. به اعتقاد مدیر سالن رنگ این شرکت، با توجه به موقعیت منطقه هر کارگری که بیکار می‌شود، به احتمال ۹۰ درصد در کار قاچاق گرفتار می‌شود. آن‌ها با این کار از بیکار شدن ۳۰۰ نفر پیشگیری کرده‌اند (<<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-338248>>).

شاید در اینجا این اشکال به ذهن برسد که از جمله شرایط حجیت بنای عقلا آن است که مورد تقریر و تأیید شارع قرار گرفته و از ناحیه او ردعی صورت نگرفته باشد؛ در حالی که مورد بحث این نوشتار در زمان شارع وجود نداشته است تا بتوان اثبات نمود که سیره عقلا مورد تأیید و عدم ردع شارع قرار می‌گیرد.

در پاسخ به این پرسش باید گفت که در وجه حجیت بنای عقلا سه مبنا وجود دارد: مبنای اول بیانگر احراز عدم ردع از ناحیه شارع است (ر.ک: بروجدی نجفی، ۱۴۱۷: ۱۳۸/۳؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸: ۶۰۹؛ حکیم، ۱۴۱۳: ۳۳/۶). مبنای دوم عدم احراز ردع است (ر.ک: غروی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳/۳؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۱۳۰/۲؛ مغنیه، ۱۹۷۵: ۲۲۲) و مبنای سوم ارجاع سیره مورد نظر به حکم عقل می‌باشد (ر.ک: آشتیانی، ۱۴۰۳: ۱۷۱/۱؛ منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۱۵: ۴۷۰). آنچه می‌توان گفت این است که اعتبار امضای شارع در سیره عقلا امری پذیرفته شده است، ولی امضای او برای هر یک از سیره‌های عقلا به صورت اختصاصی واجب نیست؛ بلکه امضای کلی وی نسبت به امور عقلایی کافی است. به دیگر سخن هر چند شارع در زمان سیره‌های جدید موجود نیست، ولی بر این موافقت کرده است که امور متعلق به عقلا را به آن‌ها واگذار نماید؛ بدین معنا که مرتکبات عقلایی را در همه زمان‌ها پذیرفته است. از سوی دیگر میان سیره عقلا در زمان شارع و زمان جدید تفاوتی نیست و از آنجا که اسلام دینی ابدی و شارع نیز دانا به سیره عقلا تا روز قیامت است، بر اوست که با سیره‌ای که مخالف با واقع است، اعلان مخالفت کند و نمی‌توان گفت که او در موافقت با سیره‌های جدید اهمال نموده و آن‌ها را نه رد و نه تأیید کرده است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۳۰: ۲۱-۲۷).

با این تفصیل، ادله شرعی و عقل - بر اساس آنچه آمد - حکم می‌کنند که سازندگان و یا استفاده‌کنندگان از آن تحت شرایطی خاص، مجاز به استفاده از آن هستند. از این رو

شایسته است که قانون‌گذاران جامعه در راستای استفاده بهینه از حق مالکیت در فناوری رباتیک، قواعد مربوط به آن را تدوین نمایند.

نتیجه‌گیری

- ۱- حق مالکیت ربات تا زمانی می‌تواند مورد بهره‌وری قرار گیرد که موجب اضرار به دیگران نشود.
- ۲- مالک ربات نمی‌تواند با توجیه دستیابی به تولید بیشتر و کار کردن شبانه‌روزی ربات، مانع اشتغال دیگران شده و آنان را بیکار نماید.
- ۳- صرف تولید در چرخه اقتصادی معنا ندارد و این چرخه زمانی معنادار می‌شود که عنصر اشتغال نیز فعال باشد. تولید و اشتغال در کنار یکدیگر از مقاصد اقتصادی شریعت اسلامی است.
- ۴- از آنجا که تولید همراه با اشتغال و حفظ نفس و نسل و ازدواج را می‌توان از مقاصد شریعت برشمرد، جایگزینی ربات در مشاغل نسبت به نیروی انسانی کار، به راحتی می‌تواند این مقاصد را دچار اختلال نماید.
- ۵- با جایگزینی ربات، نیاز به نیروی متخصص کمتر و کمتر می‌شود تا جایی که به تربیت آکادمیک و توسعه آموزشی نسبت به انسان، احساس نیازی نخواهد شد که خود این مسئله و توابع آن می‌تواند محلّ به شاخص توسعه انسانی باشد.
- ۶- میان استفاده نکردن از حق مالکیت و بیکار شدن افراد در فرض جایگزینی ربات، دو ضرر وجود دارد و در این فرض، از باب تقدم حق جامعه بر فرد و نیز تحقق عدالت اجتماعی، مالک ربات موظف است به گونه‌ای از حق خود استفاده نماید که سبب زیان بر مردم - یعنی بیکار کردن آنها - نشود.
- ۷- با استفاده از دلیل تنقیح مناط از اصل ۴۰ قانون اساسی و نیز الغاء خصوصیت «همسایگی» در ماده ۱۳۲ قانون مدنی و نیز بنای عقلا، می‌توان گفت که چون جایگزینی ربات در مشاغل، ادارات و کارخانه‌ها سبب از دست دادن شغل انسان و پیرو آن ایراد ضرر به او است، باید حق مالکیت رباتیک در این عرصه محدود گردد.

کتاب‌شناسی

۱. آشتیانی، محمدحسن، بحر الفوائد فی شرح الفرائد، قم، کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ ق.
۲. آملی، میرزا محمدتقی، مکاسب و البیع، تقریرات درس میرزا محمدحسین غروی نائینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار الملايين، ۱۹۸۸ م.
۵. احسائی، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث النبویه، قم، دار سیدالشهداء (ع)، للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۶. احمد، خورشید، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمدجواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ ش.
۷. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیة، بی تا.
۸. انصاری، قدرت‌الله، موسوعة احکام الاطفال وادلتها، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۲۹ ق.
۹. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، چاپ نهم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۸ ق.
۱۰. همو، کتاب مکاسب، چاپ بیستم، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۴ ق.
۱۱. انوری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقهیه، تحقیق مهدی مهریزی و محمدحسن درایتی، قم، الهادی، ۱۴۱۹ ق.
۱۳. بروجردی نجفی، محمدتقی، نهاية الافکار، تقریرات درس آفاضیاء عراقی، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. بهرامی احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۰ ش.
۱۵. توحیدی، محمدعلی، مصباح الفقاهه، تقریرات درس آیه الله موسوی خویی، بی جا، بی تا، بی تا.
۱۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و پنجم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۲ ش (الف).
۱۷. همو، فرهنگ عناصرشناسی، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۲ ش (ب).
۱۸. جهانیان، ناصر، اسلام و رشد عدالت‌محور، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. حائری یزدی، عبدالکریم، درر الفوائد، چاپ ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۲۰. حسینی، رضا، فرهنگ اصطلاحات کامپیوتری Webster، چاپ دوم، تهران، رازن، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. حسینی، محمد، الدلیل الفقھی، دمشق، مرکز ابن ادریس الحلّی للدراسات الفقهیه، ۲۰۰۷ م.
۲۲. حکیم، عبدالصاحب، منتقى الاصول، تقریرات درس آیه الله سیدمحمد حسینی روحانی، قم، دفتر معظم‌له، ۱۴۱۳ ق.
۲۳. خالصی، محمدباقر، رفع الغرر عن قاعدة لا ضرر، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۲۴. سائسی، سیدمحسن، فرهنگ لغات و اصطلاحات کامپیوتر، تهران، سائسی، ۱۳۸۴ ش.
۲۵. سبزواری، محمدباقر، کفایة الاحکام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۲۶. سعدی، ابوجیب، القاموس الفقھی لغة واصطلاحاً، چاپ دوم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.

۲۷. شریف مرتضی، علی بن حسین، رسائل شریف مرتضی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۲۸. شهبازی، کیومرث و زهرا طالبی، «تولید، بیکاری و قانون اوکان: شواهدی از استان‌های کشور»، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱ ش.
۲۹. صادقی، حسین، وحید شقاقی شهری و حسین اصغرپور، «تحلیل عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر جرم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴ ش.
۳۰. صمدی، علی حسین، «تورم، بیکاری و جرائم اقتصادی»، مجله علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۱۳۹۲ ش.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
۳۲. طباطبایی حائری، سید علی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، تحقیق محمد بهره‌مند و همکاران، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۸ ق.
۳۳. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیه المکاسب، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۲۱ ق.
۳۴. طبرسی، محمد بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، المیسوط فی فقه الامامیه، تحقیق سید محمد تقی کشفی، چاپ سوم، تهران، المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
۳۶. عاملی جزینی، محمد بن جمال‌الدین مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. غروی اصفهانی، محمد حسین، حاشیه کتاب المکاسب، تصحیح عباس محمد آل سباع قطیفی، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.
۳۹. همو، نهاية الدراية فی شرح الکفایه، قم، سید الشهداء (ع)، ۱۳۷۴ ق.
۴۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد جواد، حق التألیف، تعریف محمد جواد سعیدی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۴۳۰ ق.
۴۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۴۲. قلی‌زاده نوری، فرهاد، فرهنگ تشریحی اصطلاحات کامپیوتری مایکروسافت، تهران، آذر - کانون نشر علوم، بی‌تا.
۴۳. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ سی و نهم، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۴۴. کاظمی خوانساری، موسی، رساله فی قاعدة نفی الضرر، تهران، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۳ ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۴۶. کوزتس، سیمون، رشد نوین اقتصادی، ترجمه مرتضی قره‌باغیان، تهران، رسا، ۱۳۷۲ ش.
۴۷. گرشاسبی فخر، سعید، «ارتباط بین بیکاری و سرقت در ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۱۳۹۰ ش.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۹. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ق.

۵۰. مراغی، سید میر عبدالفتاح، *العناوین الفقهیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵۱. مشکینی، علی، *مصطلحات الفقه*، قم، الهادی، بی تا.
۵۲. مغنیه، محمدجواد، *علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۷۵ م.
۵۳. منتظری نجف آبادی، حسین علی، *نهایة الاصول*، تقریرات درس آقا حسین بروجردی، تهران، تفکر، ۱۴۱۵ ق.
۵۴. موسوی خمینی، سید روح الله، *الرسائل*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
۵۵. مهنا، عبدالاعلی، *لسان اللسان*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
۵۶. نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۵۷. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین، *تحریر المجله*، نجف، المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۹ ق.
۵۸. نراقی، احمد، *عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۵۹. نراقی، محمد بن احمد، *مشارق الاحکام*، تحقیق سیدحسن وحدتی شبیری، چاپ دوم، قم، کنگره بزرگداشت ملامهدی نراقی و ملااحمد نراقی، ۱۴۲۲ ق.
۶۰. یدالهی فارسی، جهانگیر، *دانش نامه کارآفرینی*، تهران، بنیاد دانش نامه نگاری ایران - مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۸ ش.
61. Brynjolfsson, Eric & Andrew McAfee, *The Second Machine Age: Work, Progress and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies*, First Edition, New York, Norton, 2014.
62. Ripert, G. et J. Boulanger, *Traité de droit civil*, Paris, L.G.D.J., 1956.